

خلاصه دستور زبان سال نهم

پوریا طباطبایی

در دستور زبان سال هفتم با اجزای اصلی جمله آشنا شدیم. فهمیدیم که مهم‌ترین جزء جمله فعل است و همراه خود نهاد را هم در هر جمله‌ای دارد. مفعول و متمم و مسند سه جزء بعدی جمله بودند که بسته به شرایطی می‌توانستند در جمله باشند یا نباشند.

در سال هشتم آموختیم که نهاد و مفعول و متمم و مسند جمله به شکل گروهی از واژگان هستند که واژه اصلی و مرکزی آن از نظر نوع واژه یک اسم است و نام این گروه واژگان را «گروه اسمی» گذاشتیم. در نتیجه فهمیدیم که تمامی نقش‌های جمله به جز فعل را، گروه‌های اسمی تشکیل می‌دهند. با اجزای گروه‌های اسمی و نام و نشان آنها آشنا شدیم.

سال نهم

فعل

در سال هفتم درباره فعل تنها این نکته مطرح شد که به طور کلی سه زمان مختلف دارد و کاری را (بن) در زمانی به شخص و شماری نسبت می‌دهد. در سال نهم با گروه فعلی آشنا شدیم که مجموعه اجزای آن چهار ویژگی فعل را می‌سازند.

هر گروه فعلی جزء کوچکی دارد که نشان‌دهنده شخص و شمار آن است. به این جزء کوچک «شناسه» می‌گوییم. شرح و مثال کامل شناسه‌ها در جزوه سال هفتم آمده است.

همچنین هر گروه فعلی جزء معناداری دارد که از ریشه مصدر آن است و نشان‌دهنده کار فعل است. به این جزء معنادار «بن فعل» می‌گوییم. دیدیم که زبان فارسی برای هر مصدر، دو بن دارد؛ یکی بن ماضی (گذشته) و دیگری بن مضارع (حال).

و اما زمان فعل. زمان فعل از ساختار چیدمانی آن و اجزایی که دارد استخراج می‌شود. بر اساس ساختارهای مختلف انواع مختلفی از زمان فعل داریم.

فعل آینده

خواه + شناسه + بن ماضی

نکته ۱: بله به طرز جالبی فعل آینده از بن گذشته ساخته می‌شود.

نکته ۲: برخی فعل‌های زمان‌های دیگر هم برای آینده به کار می‌روند؛ ولی ما تنها از ساختارها و نام‌ها صحبت می‌کنیم نه کاربرد قطعی آنها. این ساختار «فعل آینده» نام دارد.

فعل مضارع (حال)

مضارع اخباری

می + بن مضارع + شناسه

مضارع التزامی

ب + بن مضارع + شناسه

مضارع مستمر

دار + شناسه + می + بن مضارع + شناسه

نکته ۱: باز هم تاکید می‌کنم که بحث سر معنای گذشته و حال و آینده نیست؛ بحث اصلی ساختار فعل و نام‌گذاری آن است. پس ممکن است مثلا فعل مضارع التزامی برای ذهن تو مفهوم التزام نداشته باشد. ولی در مجموع اگر خیلی وسواس نداشته باشی و به استثناها فکر نکنی، نام فعل‌ها راهنمایی خوبی برای فهمیدن مفهوم و ساختار آنها هستند. مضارع اخباری در حال خبر دادن معمولی در زمان حال است، مضارع التزامی نوعی لزوم و شرط در زمان حال دارد، و مضارع مستمر کشیده‌تر از مضارع اخباری است و کاریست که در زمان حال در حال کشیدگی است.

نکته ۲: برای پیدا کردن مضارع مستمر دقت کن که چون ساختار این فعل در عمل یک فعل کمکی (دار + شناسه) دارد، بخش دار آن اغلب از بخش دوم فاصله می‌گیرد. مثلا «دارم برای مسابقه آماده می‌شوم» را ببین؛ فعل جمله مضارع مستمر به شکل «دارم آماده می‌شوم» است که دو بخش آن از هم فاصله گرفته.

فعل ماضی (گذشته)

ماضی ساده

بن ماضی + شناسه

ماضی استمراری

می + بن ماضی + شناسه

ماضی مستمر

داشت + شناسه + می + بن ماضی + شناسه

ماضی نقلی

بن ماضی + ه + شناسه → برای همه به جز سوم شخص مفرد

بن ماضی + ه + است → برای سوم شخص مفرد

ماضی بعید

بن ماضی + ه + بود + شناسه

ماضی التزامی

بن ماضی + ه + باش + شناسه

نکته ۱: باز هم تاکید می‌کنم که بحث سر معنای گذشته و حال و آینده نیست؛ بحث اصلی ساختار فعل و نام‌گذاری آن است. پس ممکن است مثلاً فعل ماضی التزامی برای ذهن تو مفهوم التزام نداشته باشد. ولی در مجموع اگر خیلی وسواس نداشته باشی و به استثناها فکر نکنی، نام فعل‌ها راهنمایی خوبی برای فهمیدن مفهوم و ساختار آنها هستند. ماضی ساده در حال خبر دادن معمولی در زمان گذشته است، ماضی استمراری خبر از در جریان بودن کاری در گذشته دارد، ماضی مستمر همان ماضی استمراری با کشیدگی و شکلی دیگر است که مناسب همراهی با کاری دیگر در گذشته است، ماضی نقلی گویی خبری از گذشته نقل می‌کند که

هنوز اثرش مانده، ماضی بعید از گذشته دور و بعید صحبت می‌کند و ماضی التزامی نوعی لزوم و شرط برای کار یا رخدادی در گذشته است.

نکته ۲: ماضی نقلی در اصل به این شکل بوده است:

بن ماضی + ه + است + شناسه

در گذر زمان «است» از آن حذف شده است. اما چون سوم شخص مفرد شناسه نمایان ندارد (شناسه تهی دارد)، در این مورد «است» حفظ شده و مانده است و به این ترتیب به نظر می‌رسد ماضی نقلی دو حالت زد؛ در حالی که در اصل همین یک شکل است.

نکته ۳: ماضی مستمر هم مثل مضارع مستمر، چون دوبخشی است، ممکن است دو بخش آن در جمله از هم فاصله بگیرند. «داشتم به مدرسه می‌رفتم که تو را دیدم.» فعل جمله اول «داشتم می‌رفتم» است.

قید

اگر در جمله‌ای جزئی یافتی که هیچ کدام از پنج نقش جمله را به خود نمی‌گرفت و مفهومی مثل کیفیت و حالت را به دیگر اجزای جمله می‌افزود، این جزء که جزء اصلی جمله نیست، قید نام دارد. مثل:

اغلب → من اغلب به مدرسه می‌روم.

خیلی → تو خیلی به باشگاه رفتی.

بسیار → هوا بسیار سرد است.

.

.

.